

متن پرسش

۱)) با سلام و احترام خدمت استاد گرامی. اگر اشتباه نکنم شما در خطاب به طلاب فرموده بودید که انسان از سن ۲۰ تا مثلاً ۳۰ به بالا احساس میکند میخواهد با یک نفر انس بگیرد و نیز فرمودید بزرگان به همان نسبت که برخی ازدواج نکرده بودند به همان نسبت هم پختگی هایی را نداشتند. سوال بنده این است که ۱) آیا مطلبی که فرمودید عمومیت دارد؟ اگر عمومیت دارد پس چرا بنده که ۲۱ سال دارم در خود نه تنها چنین احساسی ندارم بلکه همواره دلم میخواهد تنها باشم. همه چیز و همه کس را اضافی احساس میکنم؟ حتی گاهی لباس ها و ساعت مچی هم بر من سنگینی میکند یا حتی روشنی چراغ بویژه در مواقع انس بیشتر با حضرت حق مثل نماز صبح. و بندگی ام را در این یافته ام که به جز مواقعی که ناچارم درس بخوانم وقت خود را به شناخت و معاشقه با پروردگار خود بگذرانم لذا فایلی در ذهن خود ندارم که بتوانم انس با حضرت حق را با حرف های لغو چند ساعته با شخصی دیگر جمع کنم. ؟ (۲-۱) سوال دیگر بنده این است که الان یه جوری شده که طرفین ازدواج ساعت ها میشینن با هم حرف میزنن! آیا این ها حرف لغو محسوب میشود یا نه؟؟ (۳-۱) اگر حرف لغو است چگونه میتوان به این ذلت تن نداد و در عین حال همسر را از خود راضی نگه داشت؟ (۴-۱) آیا قبل از ازدواج باید این موارد در نظر گرفته شود؟ (۵-۱) اگر حرف لغو نیست لطفاً بفرمایید که تفاوت حرف بیهوده زدن با همسر و حرف بیهوده زدن با یک شخص دیگر چیست؟ مگر نه این که هر دو قساوت می آورد؟ (۲) سوال دیگر این حقیر این است که بعضاً از این جهت که مجبورم با یک نامحرم در جلسات خواستگاری صحبت کنم به راحتی افراد رو رد میکنم. آیا این کار درستی است؟ چگونه میتوان از آفات این جلسات خود را حفظ کرد؟ (۳) سوال دیگر بنده این است با توجه به این که پدر و مادر نازل شده حقیقت ولایت در عالم ارض هستند و وجود و هستی ما در عالم ارض (ماده) از آنان است و با توجه به این که آدمی از سپاسگزاری مقام ولایت از جانب خداوند عاجز است، (۳-۱) سوال اول بنده این است که آیا امکان دارد که ما بتوانیم حق لطفی که پدر و مادر در حق ما داشته اند را ادا کنیم؟ (۲-۳) سوال دوم بنده در این بخش این است که چگونه میتوان ناسپاسی از والدین را جبران کرد؟ و چگونه میتوانیم بیشتر به آن ها محبت کنیم؟؟؟ (۴) با توجه به این که ائمه فرموده اند بهترین لباس لباسی است که تحصیل آن آسان باشد و هزینه اش کم باشد و ... در خانواده ی ما به گونه است که برای تهیه ی لباس به تنهایی اقدام نمیکنم و مامان نقش مهمی در تهیه آن دارد. از طرفی حتی اگر لباسم کهنه باشد با وجود این که استطاعت مالی داریم اما وجدانم اجازه نمیدهد که مادر را برای تهیه ی لباس دنیوی به زحمت بیندازم. (۴-۱) آیا اگر لباسی کهنه اما تمیز باشد اشکالی

دارد در حالی که از نظر مالی مشکلی نداریم و میتوانم لباس نو تهیه کنم ؟ (۲_۴) در چه مواردی کار درستی است که ما از خانواده درخواستی داشته باشیم در حالی که می‌بینیم با درخواست ما آنها به زحمت دنیوی دچار میشوند ؟ و گاهی درخواست ما را خیلی جدی میگیرند و خود را به زحمت می‌اندازند؟؟ خیلی خیلی از شما ممنونم . انشالا خدا سایه ی شما رو از سر ما کم نکنه . با تشکر فراوان / التماس دعا.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: در مورد طلاب سخن علمای بزرگی مثل شهید ثانی در کتاب شریف «منیة المرید» که مخصوص طلاب علوم دین نوشته، آن است که اگر طلبه نیاز جنسی به جنس مخالف ندارد، زود ازدواج نکند و عرض کردم به همین جهت حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در ۲۷ سالگی ازدواج کردند. و اگر جنابعالی احساس نیاز به ارتباط با جنس مخالف ندارید با این که در ۲۱ سالگی هستید بهتر است بیشتر ذهن خود را مشغول دروس بفرمایید تا آنها ملکه‌ی شما شود. ولی این که شهید مطهری می‌«رحمة الله علیه» فرمایند: اساتید ما که ازدواج کرده بودند و مسئولیت یک زندگی را بر عهده داشتند پخته‌تر بودند، به جهت آن است که انسان با واقعیات بیشتری از زندگی روبه‌رو می‌شود. وقتی روح انسان نیاز به اُنس با جنس مخالف داشت مثل غذا خوردن که نیاز بدن است، آن اُنس نیز نیاز قوهی خیال است و در حدّ منطقی آن لغو محسوب نمی‌شود. وقتی احساس نیاز به ازدواج ندارید چرا خواستگاری می‌روید که بی‌خود افراد را ردّ کنید؟ احترام به پدر و مادر همان حقی است که ما باید نسبت به آنها رعایت کنیم و ادامه‌ی احترام به آنها جبران مافات را می‌کند. لباس باید شأن انسان را پایین نیاورد و عزّت انسان را حفظ کند، هرچند نباید موجب فخر شود. پدر و مادر دوست دارند که حوائج منطقی فرزندشان را برآورده کنند و این موجب زحمت آنها نمی‌شود. موفق باشید